

به نام خدای مهربانی ها

قضیه آشنایی من با لیگ جت برمیگرده به بسیج و وقتی به ما ابلاغ شد که باید این مسابقه رو معرفی کنیم
من در مدرسه معرفی کردم و تیمهای زیادی رو ثبت نام کردم ولی خودمم که اسم و محتوا پرآم
جالب اومده بود تصمیم گرفتم خفن های مدرسه دورهم جمع کنم و یه گروه قوی تشکیل بدم کلی وسواس به خرج دادم و ۵ نفری که همه عالی بودن و هرکس در یک زمینه ای موفق بود رو انتخاب کردم و یه گروه تشکیل دادیم اولش پرآم سخت بود چون بچه ها اصلا همراهیم نمی کردند ولی من به بچه ها امید میدادم و قانعشون میکردم انجام بدن
اوایل خیلی انزیت شدم یادمه یک شب که مهلت آخر تکمیل بوم تفکر نقاد بود از ۱۰ تا ۱۱ و نیم شب من تلفنی و مجازی کمک همگروهیم میکردم تا بتونه تکمیل کنه
مری مون اصلا همراهمون نبود و من هم مری بودم و هم سرگروه بودم و همه کارهارو به دوش میکشیدم اما این خستگی ها با نتایجی که ما رو سوم شهرستان اعلام کرد در رفت و خوشحال بودم که شرمنده بچه ها نشدم و اینهمه تلاش و قانع سازی بچه ها بی فایده نبوده بچه ها بعد اون موفقیت دیگه خودشون امیدوار شدند و خودشون راه افتادند و پیشرفت کردند و دیگه از یک جایی به بعد نیازی به قانع سازی نبود خلاصه با کمک هم و کلی تلاش د. مرحله استانی هم برتر شدیم و حتی دعوت به مرحله ملی اما راهیان نور دیار عشق بودیم و نتونستیم این مرحله رو شرکت کنیم فدای سرمون بجاش مهمونی خصوصی شهدا بودیم اونم با چندتا از همگروه های لیگ جتم ... شاید اوایل برای رتبه میجنگیدیم اما الان به این فهم و باور رسیدیم که اون چیزی که مهمه یادگیری این مهارت هاست نه صرفا رتبه آوردن ولی از لیگ جت ممنونم که به من جهاد تبیین رو یاد میده تا حداقل اسممون به عنوان کسی که برای امر رهبرش تلاش کرده ثبت بشه . من یه بار که حرم رفتم از امام رضا هدیه خواستم و هدیه م آشنایی با بی نهایت بود دوباره یک روز از امام رضا هدیه خواستم و هدیه من شد آشنایی با لیگ جت